



۶۷۱۵۲

۱۳۷۸ / ۳ / ۲۰



دانشگاه قم

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد  
فقه و مبانی حقوق اسلامی

# ارتباط مسائل فقهی با اخلاق

در

# قرآن کریم

فاطمه اسدی

استاد راهنما

آیت‌ا... محمد حسن مرعشی

بهار ۱۳۷۷

۲۵۲۸۶

۲۱۵۱۲

## تقدیر:

با تشکر و قدردانی از جناب آیت‌الله آقای

محمدحسن مرعشی که به عنوان استاد راهنما، در تمام

مراحل پایان‌نامه اینجانب را همراهی و راهنمایی نمودند.

همچنین با تشکر از جناب حجت الاسلام و المسلمین

آقای علی محامد که به عنوان استاد مشاور نکات سودمندی

را متذکر گشتند.

## ارتباط مسائل فقهی با اخلاق

### در قرآن کریم

#### چکیده

در قرآن کریم و روایات به فقه و احکام فقهی از زاویه ثمرات اعتقادی و اخلاقی آنها نگریسته شده است. اما دانشمندان اسلامی کمتر به کاوش و تحقیقی «منسجم» در جهت بررسی آثار اخلاق فردی و اجتماعی احکام فقهی و حقوقی اسلام پرداخته‌اند. از این رو بعضی از ناآگاهان یا مغرضان احکام فقهی را صرفاً تکالیف الهی دانسته‌اند که انسان مؤمن موظف به انجام آن است، بدون آنکه هیچ ثمره اصیل اخلاقی و تربیتی بر آن مترتب باشد و حتی کسانی نیز بعضی از این احکام را مانند احکام قصاص معارض و بلکه ضد اخلاق انسانی برشمرده‌اند.

لذا، نگارنده جهت ابطال دیدگاه مزبور، سعی نموده است که نوشتار حاضر - با تمام کاستی‌هایش - بتواند به

عنوان حرکتی مهم، مستقل و مقدماتی برای توجه به ثمرات اخلاقی احکام فقهی و حقوقی مفید واقع شود.

#### واژه‌های کلیدی:

طهارت ( وضو، غسل، تیمم )، صلوة ( نماز )، صوم ( روزه )، زکات، خمس، حج، جهاد، تجارت ( معاملات )، ربا، اطعمه و اشربه ( خوراکیها و آشامیدنیها )، شرب خمر ( نوشیدن مشروبات الکلی )، نکاح، ستر ( حجاب )، طلاق، ایلاء ( قسم بر ترک زناشویی بدون طلاق )، وصیت، شهادت دادن، حدود ( سرقت، زنا، قذف، لواط )، قصاص ( کیفر مشابه و متقابل بدنی )، دیه ( خون بها )، امر به معروف و نهی از منکر.

\*\*\*\*

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه .....	۲
<b>۱- طهارت</b> .....	<b>۶</b>
۱-۱ آثار اخلاقی طهارت‌های سه‌گانه .....	۹
۲-۱ فایده اخلاقی وضو در روایات .....	۱۳
۳-۱ نکته اخلاقی تشریح حکم تیمم .....	۱۵
<b>۲- صاۑة</b> .....	<b>۱۹</b>
۱-۲ اهمیت نماز .....	۲۰
۲-۲ آثار و برکات نماز .....	۲۱
۳-۲ مهمترین اثر اخلاقی - تربیتی نماز .....	۲۴
۴-۲ رابطه نماز با ایمان .....	۲۸
<b>۳- صوم</b> .....	<b>۳۴</b>
۱-۳ فضیلت روزه در روایات .....	۳۵
۲-۳ تقوا ثمره اصلی روزه .....	۳۸

۴- زکات ..... ۴۶

۴-۱ نقش زکات در اسلام ..... ۴۷

۴-۲ زکات عامل پاکی فرد و جامعه ..... ۵۰

۴-۳ گیرنده زکات خداست ..... ۵۳

۴-۴ ندادن زکات نشانه شرک و کفر است ..... ۵۵

۵- خمس ..... ۶۰

۵-۱ تعریف خمس ..... ۶۰

۵-۲ آیا اختصاص نیمی از خمس به بنی هاشم تبعیض نیست؟ ..... ۶۲

۵-۳ منظور از سهم خدا چیست؟ ..... ۶۴

۶- حج ..... ۶۸

۶-۱ حج از منظر روایات ..... ۶۸

۶-۲ اهمیت و عظمت حج ..... ۷۰

۶-۳ تأثیر حج در اخلاق فرد و امت اسلامی ..... ۷۵

۷- جهاد ..... ۸۴

۷-۱ انواع جهاد ..... ۸۵

۷-۲ جهاد از دیدگاه روایات ..... ۸۷

۷-۳ تأثیر اخلاقی و جوب جهاد از دیدگاه آیات قرآن ..... ۸۹

## ۸- تجارت ..... ۱۰۰

۸-۱ اصل کلی در تجارت اسلامی ..... ۱۰۲

۸-۲ اهمیت وفای به عهد و پیمان ..... ۱۰۷

## ۹- ربا ..... ۱۱۱

۹-۱ ربا چیست؟ ..... ۱۱۳

۹-۲ تحریم رباخواری در چند مرحله ..... ۱۱۴

۹-۳ زیانهای رباخواری به اخلاق و اقتصاد ..... ۱۱۶

## ۱۰- اطعمه و اشربه ..... ۱۲۵

۱۰-۱ خوردنیهای ممنوعه ..... ۱۲۷

۱۰-۲ کشتن حیوانات چرا؟ ..... ۱۳۳

## ۱۱- شرب خمر ..... ۲۳۸

۱۱-۱ برخی از روایات مربوطه به تأثیر سوء خمر ..... ۱۴۰

۱۱-۲ شرب خمر اسلحه شیطانی ..... ۱۴۲

## ۱۲- نکاح ..... ۱۴۸

۱۲-۱ ازدواج و مصونیت ..... ۱۴۶

۱۵۱	۲-۱۲ پیامدهای اخلاقی ازدواج.....
۱۵۷	۱۳- سِتر (حجاب و پوشش).....
۱۵۸	۱-۱۳ معنای لغوی حجاب.....
۱۵۹	۲-۱۳ ابعاد حجاب.....
۱۶۸	۱۴- طلاق.....
۱۶۹	۱-۱۴ طلاق منثورترین حالاتها.....
۱۷۰	۲-۱۴ نتیجه اخلاقی عده نگه داشتن.....
۱۷۳	۳-۱۴ حق طلاق برای زن بصورت حق تفویضی.....
۱۷۷	۱۵- ایلاء.....
۱۸۲	۱۶- وصیت.....
۱۸۸	۱-۱۶ عدالت در وصیت.....
۱۹۱	۱۷- شهادت دادن.....
۱۹۲	۱-۱۷ اهمیت شهادت دادن در روایات.....
۱۹۳	۲-۱۷ شهادت دادن کاری خدائی است.....
۱۹۵	۳-۱۷ عدالت یک رکن مهم اسلام.....



۲۰۰	۱۸- حدود
۲۰۰	۱-۱۸ اهمیت اجرای حدود
۲۰۱	۲-۱۸ نقش اخلاق در اجرای حد
۲۰۳	۳-۱۸ حد سرقت انعکاس عمل سارق
۲۱۱	۴-۱۸ حد زنا و عبرت برای دیگران
۲۱۸	۵-۱۸ حد قذف مانع شیوع مفاسد اجتماعی
۲۲۳	۶-۱۸ حکم لعان سدی مقابل اتهام
۲۲۶	۷-۱۸ حد لواط
۲۲۷	۱-۷-۱۸ همجنس‌گرایی یک انحراف شرم‌آور
۲۳۱	۲-۷-۱۸ تأثیرات سوء اخلاقی هم‌جنس‌گرایی

۲۳۸	۱۹- قصاص و دیه
۲۴۰	۱-۱۹ آیا عون مرد رنگین‌تر است؟
۲۴۲	۲-۱۹ چرا در قتل خطای محض دیه بر عهده عاقله است؟
۲۴۷	۳-۱۹ آیا قصاص بر خلاف عقل و عواطف انسانی است؟

۲۵۰	۲۰- امر به معروف و نهی از منکر
۲۵۱	۱-۲۰ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در روایات
۲۵۳	۲-۲۰ نقش امر به معروف و نهی از منکر در سازندگی اخلاق فردی و اجتماعی

۲۶۰	فهرست منابع و مآخذ
-----	--------------------

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه

از دیدگاه انسان‌شناسی دینی، کمال انسان در گرو گرایش او به توحید است و دین آمده است که بیش و اخلاق و افعال آدمی را بر مدار توحید سامان بخشد. دین اسلام جامه‌ای است که بر قامت انسان دوخته شده و از این رو در عین اینکه این جامه از اجزای مختلفی تشکیل گردیده ولی این اجزاء کاملاً با یکدیگر مرتبط و متحد هستند و انسجام این مجموعه در خدمت برآوردن یک هدف، یعنی به کمال رساندن آدمی صورت یافته است.

بر این مبنا دین اسلام که مجموعه‌ای از هدایتهای اعتقادی و اخلاقی و فقهی است، یک مجموعه کاملاً هماهنگ و متوازن است بدین معنی که این سه بُعد دین با یکدیگر مرتبط و در یکدیگر منعکس هستند. اعتقادات دینی زیربنای اخلاق دینی را تشکیل می‌دهد و اخلاق دینی زیربنای احکام فقهی را می‌سازد. همچنین احکام فقهی ثمرات اخلاقی دارد و هدایتهای اخلاقی ثمرات اعتقادی دارد و این هر سه (اعتقادات، اخلاق و احکام) کاملاً در راستای تربیت ابعاد اعتقادی و اخلاقی و حقوقی انسان تربیت یافته‌اند.

این دین که بینش و اخلاق و افعال آدمی را بسوی کمال الهی اش هدایت می‌کند، آن توان را دارد که هم سعادت دنیوی و هم سعادت اخروی او را تأمین کند و از آنجا که از دیدگاه دین اسلام حیات اخروی انسان ثمره حیات دنیوی او است و به تعبیر دقیقتر و صحیحتر، حیات اخروی انسان تبلور و تجسم حیات دنیوی انسان است، می‌توان گفت اسلام نه تنها نسبت به حیات دنیوی انسان بی تفاوت نیست، بلکه با توجه و اهتمام کامل، به تدبیر بینش و اخلاق و احکام حقوقی انسان در حیات دنیوی اش می‌پردازد.

آری، احکام فقهی و حقوقی اسلام که عهده‌دار تأمین بخشی از سعادت دنیوی و اخروی انسان در این دنیا است هم ثمره اخلاقی دارد و هم ثمره اعتقادی؛ یعنی عمل به احکام فقهی، برخلاف عمل به دستورات حقوقی ای که بوسیله عقل بشری تنظیم شده است، عمل به دستورات قراردادی صرف نیست که هیچ ثمره تکوینی و آثار عملی اعتقادی و اخلاقی در این دنیا و در آخرت به همراه نداشته باشد، بلکه عمل به این احکام هم موجب اصلاح اخلاق فردی و اجتماعی انسان می‌شود و هم موجب تقویت بینش اعتقادی.

اما به نظر می‌رسد با اینکه در قرآن کریم و روایات ما به فقه و احکام فقهی از زاویه ثمرات اعتقادی و اخلاقی آنها نگریسته شده است و کتابهای مختلفی توسط متفکران اسلامی با عنوان آیات الاحکام در این زمینه به رشته تحریر درآمده است ولی عالمان اسلامی کمتر به کاوش و تحقیقی «منسجم» در جهت بررسی آثار اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی احکام فقهی و حقوقی اسلام پرداخته‌اند. از این رو نگارنده گمان می‌کند دفتر حاضر با تمام کاستی‌هایش، می‌تواند به عنوان حرکتی مهم، مستقل و مقدماتی جهت توجه به ثمرات اخلاقی احکام فقهی و حقوقی تلقی شود.

در این راستا جهت تدوین نوشتار حاضر نکاتی رعایت شده است که بطور اختصار به مهمترین آنها

ذیلاً اشاره می‌شود:

**یکه** - ترتیب مطالب به فرمایش استاد محترم راهنما بر اسلوب کتب فقهی تنظیم یافته است.

**دو** - آیات منتخب از آیات الاحکام برگزیده شده و مشخصه همه این آیات آن است که در این آیات

صریحاً یا بعضاً بطور ضمنی به اثر اخلاقی مسئله فقهی اشاره شده است.

**سه** - بدلیل تعدد آیاتی که در یک موضوع خاص (مثلاً نماز) ثمرات اخلاقی را بیان کرده است، صرفاً

آیاتی که در آن موضوع بیشتر بحث‌انگیز بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفته است و از ذکر و

بررسی تمام آیات در یک موضوع خاص (بعثت پرهیز از حجیم شدن و تطویل بحث)

خودداری گردیده است.

**چهار** - جهت تتمیم و تکمیل مباحث «ثمرات اخلاقی احکام فقهی در قرآن کریم» از بیانات و

توضیحاتی که در روایات و احادیث اسلامی نیز وارد شده است، کمک گرفته‌ایم.

**پنج** - در برخی موارد به غیر از بیان ثمرات اخلاقی احکام فقهی، به فلسفه احکام نیز اشارت

رفته است، البته لازم به یادآوری است که اساساً در مواردی فلسفه تشریح حکم بیشتر به جهت

ثمره اخلاقی آن بوده است.

**والسلام علی من اتبع الهدی**

# طهارت

## ۱. طهارت

« يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا برؤوسكم و ارجلكم الى الكعبين و ان كنتم مرضى أو على سفر أو جاء احد منكم من الغائط أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً فامسحوا بوجوهكم و ايديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج و لكن يريد ليظهركم و ليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون»<sup>(۱)</sup>

### ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت و دستها را تا آرنج بشوئید و سر و پاها را تا مفصل (یا برآمدگی پشت پا) مسح کنید و اگر جنب باشید خود را بشوئید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما را محل پستی آمده (قضای حاجت کرده) یا با زنان تماس گرفته باشید (آمیزش جنسی کرده‌اید) و آب (برای وضو یا غسل) نیابید با خاک پاکی تیمم کنید و از آن بر صورت و دستها بکشید، خداوند نمی‌خواهد برای شما مشکلی ایجاد کند بلکه

می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را بجا

آورید.

همانطور که می دانیم بخشی از احکام فقهی اختصاص به عبادات دارد و هدف از عبادات تقرب یافتن به خداوند متعال و زدودن زنگارها و آلودگیهای دنیوی در مسیر سیر الی الله می باشد، اما همانگونه که برای رسیدن به این مقصد پاکیزگی باطن از رذائل لازم است می بایست ظاهر را نیز از خبائث و پلیدیهای مادی پاک نمود و به بیان دیگر، وصول به صفا و نورانیت درون مستلزم طهارت و پاکی برون و ظاهر است، پیامبر گرامی اسلام در همین رابطه می فرماید: «الطهور شطر الايمان»<sup>(۱)</sup> یعنی: پاکیزگی جزء ایمان است.

به همین جهت خداوند سبحان، ابتداءً آب را برای طهارت جسم قرار داد: «و أنزلنا من السماء ماءً طهوراً»<sup>(۲)</sup> یعنی: و از آسمان آبی پاک کننده فرو فرستادیم. و برای رسیدن به این پاکیزگی آداب مخصوصی را بصورت وضو و غسل تشریح نمود.

سپس در صورت نبودن آب و یا مضر بودن آن برای بدن، از آن رو که عبادات احتیاج به طهارت دارد - «لا تقبل صلاة بغير طهور»<sup>(۳)</sup> - خاک را بدل از آب جهت پاکیزگی قرار داد. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «إن الله عزوجل جعل التراب طهوراً كما جعل الماء طهوراً»<sup>(۴)</sup>: خداوند عزوجل خاک را پاک کننده قرار داد همانطور که آب را پاک کننده قرار داده بود.

۱- کنز العمال، ۲۵۹۹۸.

۲- سورة فرقان، آیه ۵۰.

۳- کنز العمال، ۲۶۰۰۶ (پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - می فرماید: هیچ نمازی بدون پاکیزگی قبول نمی شود.)

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۰۹.

و سراینکه خداوند به ائمه اطهار علیهم السلام توجه خاصی مبذول داشته در طهارت آنها از تعلقات دنیوی

است و در این باره آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

« تنها چیزی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند نزاهت از طبیعت و دنیاست، زیرا انسان متعلق به دنیا به خدا نخواهد رسید، و هر چه انسان را از خدا باز می‌دارد دنیای اوست، خواه مال و خواه مقام و خواه حبّ نفس، لذا وقتی خداوند متعال عبادتها را بیان می‌کند می‌فرماید راز این دستور آن است که شما طاهر شوید. تا انسان طاهر نشود به خدایی که طیب است، نمی‌رسد....

طهارتی که خداوند می‌خواهد از انسانیت پاک شدن است. آب ممکن است انسان را طاهر کند به طهارت ظاهری، اما دستها را خاک مالی کردن و به صورت مالیدن، انسان را به آن طهارت معنوی می‌رساند....

هیچ دشمنی بدتر از دشمن درونی نیست، و هیچ آلودگی بدتر از پلیدی نفس نیست، لذا تمام این عبادتها برای آن است که انسان از راههای مختلف از این غرور و منیت و خودخواهی رهایی یابد، همه دستورات دین برای تطهیر است»<sup>(۱)</sup>

و به همین جهت یکی از ویژگیها و صفات برجسته اهل بیت علیهم السلام طهارت ایشان از هرگونه رجس و پلیدی است، خداوند در کتاب کریمش می‌فرماید: « اِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا »<sup>(۲)</sup> یعنی خداوند چنین اراده کرده است که از شما اهل بیت پلیدی را زایل کند، پاک و منزهتان بدارد. استاد شهید مطهری رحمته الله در معنای طهارت اهل بیت چنین می‌گوید:

« یطهرکم تطهیرا » شما را به نوع خاصی تطهیر و پاکیزه کند. تطهیری که خدا ذکر می‌کند معلوم است

۱- اسرار عبادت، ص ۲۶ و ۲۵

۲- احزاب، آیه ۳۳



که تطهیر عرفی و طبّی نیست که نظریه این باشد که بیماریها را از شما زایل می‌کند، میکروبها را از بدن شما بیرون می‌کند. نمی‌خواهم بگویم این، مصداق تطهیر نیست، ولی مسلم تطهیری که این آیه بیان می‌کند، در درجه اول، از آن چیزهایی است که خود قرآن آنها را رجس می‌داند. رجس و رُجْز و اینجور چیزها در قرآن یعنی هر چه که قرآن از آن نهی می‌کند، هر چه که گناه شمرده می‌شود، می‌خواهد گناه اعتقادی باشد یا گناه اخلاقی و یا گناه عملی. اینها رجس و پلیدی است. این است که می‌گویند مفاد این آیه، عصمت اهل بیت یعنی منزّه بودن آنها از هر نوع آلودگی است»<sup>(۱)</sup>.

## ۱- آثار اخلاقی طهارت‌های سه‌گانه

در آیه مورد بحث ابتدا جهت اقامه فریضه نماز به چگونگی انجام وضو پرداخته شده و سپس به مورد غسل در هنگام جنب بودن اشاره گردیده است و سرانجام در صورت نبودن آب برای غسل یا وضوء بدلیل وجوب طهارت برای نماز تیمم را بدل از آنها بیان نموده است. اما بحث اصلی ما مربوط به آخر آیه می‌باشد که علت و تأثیر اخلاقی طاهر بودن را به هر طریقی که ممکن باشد بیان کرده است و می‌فرماید:

« مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَليُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ »

یعنی: دستوراتی که تشریح گردیده، جهت مشقت و سختگیری نبوده بلکه بخاطر طهارت معنوی و جسمانی مردم وضع شده است و نیز برای اینکه خداوند می‌خواهد نعمت خود را بر بندگانش تمام کند تا شاید شکرگزار نعمتهای او باشند.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه ذیل این قسمت از آیه چنین می نویسد:

«اینکه بر سر مفعول «يجعل» کلمه «من» آورده برای تأکید نفی اول جمله بوده و می رساند که: در میان احکام دینی حتی یک حکم هم پیدا نمی شود که منظور از آن «حرج» یعنی مشقت و سختی باشد و بهمین جهت نه تنها خود «حرج» را نفی کرده بلکه وضع و جعل حرج را نفی نموده و رسانده است که اساساً خداوند نمی خواهد حرج و قانون حرجی وضع نماید، - نه اینکه قانون حرجی وضع کند و سپس انسان را از عمل به آن معاف بدارد - ....»

و در ادامه سخن خود می فرماید: لازمه مطالب فوق این است که منظور از «لکن یزید لیطهرکم» این باشد که غرض از وضع قانون وضوء و غسل و تیمم همانا طهارت و پاکی شماست و اینها اسباب طهارتند و این طهارت، طهارت از «خبث» یعنی نجاست ظاهری نیست، بلکه یک پاکی معنوی است که بوسیله یکی از این اسباب حاصل می شود.

و اما درباره جمله «لَيْسَ نِعْمَةً عَلَیْكُمْ» که چه رابطه ای بین حکم طهارت‌های سه گانه و اتمام نعمت می باشد، می بایست ابتدا معنای نعمت را بدانیم و مرحوم طباطبائی در ذیل آیه ۳ سوره مائده، نعمت را چنین تعریف نموده است:

«نعمت از نظر بنا دلالت بر نوع می کند و مراد از نعمت؛ هر چیزی است که با طبع چیزی ملایم بوده و طبع شیء، از آن امتناع نداشته باشد.

همه اشیاء از آن نظر که در نظام کلی تدبیر الهی قرار گرفته و بهم متصل و مربوطند و اجزاء آنها سازگار و ملایم با یکدیگر است، بیشتر و یا همه این اشیاء نسبت به اشیاء مفروض دیگر نعمتهائی هستند. خدا

فرماید: « و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها: اگر نعمت خدا را به عدد آرید، احصاء و شماره نتوانید کرد.»<sup>(۱)</sup>

... ( لکن ) چیزهایی که نعمت بشمار آمده‌اند، تنها در صورتی نعمتند که با غرضی که خدا از خلقت

آنها برای خاطر انسان داشته، موافق باشند، زیرا اینها بدین منظور آفریده شده‌اند که از طرف خدا کمکی

برای انسان باشند که در راه سعادت حقیقی خود، که همانا قرب به خدا بر اثر بندگی و فروتنی در برابر

پروردگاری اوست، در آنها تصرف کند که فرماید: « و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون: جن و انس را

نیافریدم مگر برای آنکه بندگی من کنند.»<sup>(۲)</sup>

پس هر چه را که انسان بدان منظور تصرف کند که به ساحت قرب خدا راه یابد و خوشنودی او را

بجوید، نعمت است و اگر قضیه بر عکس شد، در حق همان شخص، نعمت، نعمت نخواهد شد. پس

اشیاء بخودی خود هیچ طرفه‌اند و بواسطه مشتمل بودن این اشیاء بر روح عبودیت و بندگی و از نظر

آنکه بر اثر تصرف مخصوصی که از آن یاد کردیم، این اشیاء تحت ولایت خدا - یعنی تدبیر پروردگاری

نسبت به شئون بنده - درمی آیند، نعمت هستند و لازم این سخن آن است که در حقیقت، نعمت، عبارت

است از ولایت و سرپرستی الهی و یک چیز، در صورتی نعمت میشود که بر ولایت الهی، مشتمل

باشد.....

و بنابراین، اسلام - که مجموع چیزهایی است که از طرف خدا نازل شده است تا او را بپرستند - دین

است و از آن جهت که از حیث عمل به آن، مشتمل بر ولایت خدا و ولایت رسول و ولایت اولیاء امر بعد

از رسول است، نعمت است.»<sup>(۳)</sup>

۱- سورة ابراهيم ، آیه ۳۴

۲- ذاریات ، آیه ۵۶

۳- ترجمه المیزان ، ج ۵ ، ۲۸۲ - ۲۸۰

« با توجه به آنچه که بیان داشتیم منظور از نعمت در آیه همان دین است و آن هم نه از جهت اجزاء و معارف و احکام آن بلکه از این جهت که دین تسلیم بودن در برابر خداوند در تمام شئون است که همان ولایت خداوند بر مردم به آنچه حکم می‌کند می‌باشد. و این معنی به این است که وضع قانون در دین، تمام احکام دینی را که از جمله حکم طهارت‌های سه‌گانه - وضو و غسل و تیمم - است شامل می‌شود. و از همین جا معلوم می‌شود که میان این دو هدفی که در آیه ذکر شده است - لیطهرکم (برای اینکه شما را پاک کند)، ولیم نعمته علیکم (تا نعمت خود را بر شما تمام کند) - فرقی است و آن اینکه طهارت و پاکی هدف تشریح طهارت‌های سه‌گانه است ولی تمام کردن نعمت هدف تشریح تمام احکام است که طهارت‌های سه‌گانه فقط سهمی از آن دارند، بنابراین دو هدف مزبور یکی خصوصی بوده و دیگری جنبه عمومیت دارد.

و روی این حساب معنی آیه چنین می‌شود: ولی می‌خواهیم بوسیله وضع طهارت‌های سه‌گانه اولاً بطور خصوصی؛ بوسیله آنها شما پاک شوید و ثانیاً - دقت کنید - بطور کلی و عمومی اینها جزئی از تمام دین یعنی نعمت خداوند است که با تشریح اینها آن نعمت تمام شود امید است شما خدا را بر این نعمت سپاسگزاری کنید تا خدا شما را برای خود خالص کند»<sup>(۱)</sup>

با توجه به سخن علامه طباطبایی، خداوند حکیم برای تمامیت یافتن نعمت دین احکام طهارت را تشریح نمود، لکن همانطور که در آخرین کلمات آیه مزبور اشاره شده است تأثیر این تمامیت زمانی آشکار خواهد گردید که شکر نعمتهای الهی بجا آورده شود، لذا می‌فرماید «لعلکم تشکرون».

در روایتی از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم: «شکر المؤمن ینظهُ فی عملیه»<sup>(۲)</sup>: شکر مؤمن در عمل

۱- مدرک سابق، ص ۳۵۸ و ۳۵۷

۲- غررالحکم، ۵۶۶۱